

به بهانه ورود فیلم «آذر» به شبکه نمایش خانگی

نگاهی به آسیب‌های مطرح شده در فیلم از منظر آمار و روان‌شناسی

قصه تکراری اما پندآموز دروغ و مخفی‌کاری

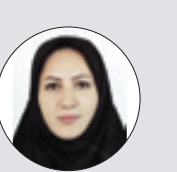
الیه توانا روزنامه نگار



امیر و آذر، زن و شوهر ند و خانه‌پد‌ری امیر را برای راه‌اندازی یک رستوران می‌فروشند. صابر، پسر عموی امیر، برای شراکت با آن‌ها از پدرش مقداری پول می‌گیرد. همه چیز خوب پیش می‌رود تا این‌که صابر پس از چند روز زیر قولش می‌زند و برای پول‌ها نقشه دیگری می‌کشد. امیر و صابر، با هم درگیر می‌شوند و فاجعه رخ می‌دهد. فاجعه‌ای که منجر به رو شدن لایه‌های دیگری از شخصیت آدم‌های فیلم می‌شود. این قصه فیلم «آذر» است که چندوقتی است وارد شبکه نمایش خانگی شده است. فیلمی که به لحاظ سینمایی حرف جدیدی برای گفتن ندارد اما نکات و خردروایت‌هایش از منظر روان‌شناسی، قابل تحلیل و بررسی است. فیلم‌هایی شبیه به آذر که در ژانر نوپدید «اجتماعی» تقسیم‌بندی می‌شوند و در سال‌های اخیر، سینمای کشور مان را قرق کرده‌اند، عموماً خلاقیت و نوآوری چندانی بروز نمی‌دهند؛ صرفاً نام‌پشی چندین و چند باره هستند از آسیب‌های اجتماعی بی آن‌که راه تازه‌ای پیش پای شخصیت‌های مصیبت دیده‌شان بگذارند یا دست کم قصه را از او به متفاوتی تعریف کنند. در این پرونده، ما این کم‌کاری سینمای را جبران کرده‌ایم. از نقص‌های فنی فیلم آذر گذشته‌ایم و سوزناش را از جنبه روان‌شناسانه بررسی کرده‌ایم. همچنین به دو مورد از آسیب‌های مطرح شده در فیلم، نگاهی آماری داشته‌ایم به امید آن‌که زیر ذره‌بین بردن‌شان فایده‌ای داشته باشد.

دکتر «مینا داد گستر» در گفت‌وگو با زندگی‌سلام مهم‌ترین محور فیلم را تحلیل می‌کند

پنهان‌کاری، به دلیل منافع فردی



مسئله اصلی فیلم آذر و به وجود آورنده همه مشکلات «پنهان‌کاری» است؛ امیر (حمیدرضا آذرنگ)، قضیه مخالفت عمو با حضور همسرش در مغازه را پنهان می‌کند؛ صابر (هومن سیدی) دلیل پول گرفتن از پدر و ازدواجش را مخفی نگه می‌دارد و آذر (نیکی کریمی) برای منافع خود و خانواده‌اش، جنسیت‌اش را قایم می‌کند. پنهان‌کاری، چیز عجیب و دوری نیست، مرئوس به فیلم‌ها و زندگی مردم هم نیست، برای هر کس ممکن است اتفاق بیفتد اما چرا پنهان‌کاری می‌کنیم؟ پنهان‌کاری با جسم و روان ما چه می‌کند؟ چرا به رغم همه فشارها و اضطراب‌هایش، به این رفتار ادامه می‌دهیم؟ دکتر داد گستر، زوج در مانگر و خانواده در مانگر به این سوالات پاسخ می‌دهد، پاسخ‌های ایشان را در ادامه بخوانید.

- مرز مخفی‌کاری و حفظ حریم خصوصی**

پنهان‌کاری را باید در کنار مفهوم حریم خصوصی مطرح کرد. حریم خصوصی، شامل مسائلی است که فقط به خود فرد تعلق دارد و ضرورتاً ناشی از منافع اوست؛ پنهان‌کاری اما دیگران را هم متضرر می‌کند. پنهان‌کاری به دلایل مختلف اتفاق می‌افتد که مهم‌ترینش، نبود اطمینان در روابط بین فردی است. گاهی ماهیت موضوع باعث پنهان‌کاری می‌شود؛ مثل موضوعاتی که بار ارزشی دارند و فرد را در معرض قضاوت قرار می‌دهند. همچنین وقتی در روابط بین فردی، منبع قدرتی وجود داشته باشد، پنهان‌کاری ناگزیر است؛ صابر، اضطراب و نگرانی‌اش را در قدرت و سلطه پدرش‌کاری انجام بدهد پس ترجیح داد چیزهایی را از او مخفی کند. پس زمینه همه دلایل پنهان‌کاری، منافع فردی است.

- عادت به دروغ**

دروغ، مرحله بعدی پنهان‌کاری و لازمه ادامه پیدا کردن آن است. پنهان‌کاری و دروغ سیستم «امیگدال» مغز، مسئول کنترل احساسات و هیجانات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امیگدال هر چه بیشتر در معرض دروغ قرار بگیرد، واکنش‌اش ضعیف‌تر می‌شود. روزهای اولی که چیزی را پنهان می‌کنیم یا اولین باری که دروغ می‌گوییم، اضطراب و نگرانی‌اش را در پیم چون سیستم امیگدال مان فعال است اما به مرور نوعی عادی‌سازی اتفاق می‌افتد. همچنین مایک سیستم‌ارزشی به اسم «فراخود» یا «سوپرایگو» داریم که از طریق باورهای خانواده و جامعه شکل گرفته است، این وجدان باطریق قرائت دینی‌اش، نفس لواشه در برابر اولین نارسه‌های مان واکنش‌نشان می‌دهد؛ احساس گناه می‌کنیم اما به مرور واکنش‌اش کم‌رنگ می‌شود. امیر، قبل از این‌که برای خلاصی از زندان به فکر دروغ گفتن بیفتد، قبلاً در جای دیگری از فیلم دروغ ظاهر ابی‌ضری گفته بود؛ آن‌جا که به شوخی به پسر عموش گفت عمو قبول نکرده به او پول بدهد، هشدار می‌است که خطر عادت به دروغ گفتن را نشان می‌دهد.

- مخفی‌کاری با جسم و روان مان چه می‌کند؟**

پنهان‌کاری بدون شک، به دروغگویی منجر می‌شود. دروغ گفتن‌های پشت سر هم، در فرد احساسات ناسازگار و منفی به وجود می‌آورد و سلامت روان او را به خطر می‌اندازد. چطور؟ دروغ، استرس زیادی ایجاد می‌کند. وقتی سطح استرس بالایی رود، فعالیت سیستم «لیمبیک» که

کارش کنترل هیجان است، زیاد می‌شود. در طرف مقابل فعالیت سیستم «کورتکس»، مسئول تفکر منطقی که عملکردش در ست عکس لیمبیک است، کاهش می‌یابد. در پنهان‌کاری طولانی مدت، سیستم هیجانی فعال و سیستم منطقی ضعیف می‌شود. پنهان‌کاری همچنین باعث پر خاشگربی می‌شود؛ چون برای مخفی نگه داشتن چیزی، باید انرژی صرف کنیم. در پنهان‌کاری، انرژی روانی با لیبیدیوی فرد، به شدت خرج می‌شود و عملکردش در بخش‌های دیگر زندگی افت می‌کند. الگوی خواب در به هم می‌ریزد و حتی احتمال ابتلا به بیماری‌های روان‌تنی (سایکوسوماتیک) وجود دارد. این‌ها غیر از آسیب‌هایی است که به طرف مقابل وارد می‌شود. صابر، دلیل واقعی پول گرفتن از پدرش را پنهان کرده بود. امیر وقتی موضوع را فهمید احساس قربانی بودن کرد چون از اعتمادش سوءاستفاده شده بود.

- گفتن با نگفتن؟**

پنهان‌کارها، معمولاً ترسو هستند و مهارت حل مسئله ندارند؛ آن‌ها مشکلات را به جای حل کردن، مخفی می‌کنند. پنهان‌کاری فرد را اوار می‌کند که به تنهایی دنبال راهکار بگردد. در دین ما و در روان‌شناسی، استفاده از خرد جمعی توصیه شده است. پنهان‌کاری، امتیاز کمک گرفتن از خرد جمعی را می‌گیرد. جالافرض کنیم کسی به هر دلیلی، موضوعی را از دیگران پنهان کرده است؛ آیا باید به هر قیمتی آن را افاش کند؟ خیر. باید آسیب‌های شخصی و جمعی گفتن و نگفتن را بسنجد. اگر ضرر گفتن از ادامه دادن پنهان‌کاری کمتر بود، دانستن این نکته مهم است که در میان گذاشتن همه جزئیات، لازم نیست. حالت ایده‌آل، کمک گرفتن از یک مشاور را دارد است. اما اگر زبان گفتن بیشتر باشد، سر بسته نگه داشتن موضوع هم باز به کمک نیاز دارد. روان‌شناس امینی که ما را قضاوت نکند، از پس این کار بر می‌آید. او چیزی را تغییر نمی‌دهد فقط با تکنیک «قالب‌گیری مجدد»، زاویه نگاه کردن به موضوع را تغییر می‌دهد و به ما کمک می‌کند بااروایی مسئله را کاهش بدهیم و مهارت‌های مقابله با هیجانات منفی ناشی از پنهان‌کاری را یاد بگیریم. درمورد دحاح، حتی ممکن است به کمک یک تیم حمایتی برای کاهش آسیب‌ها، نیاز باشد.



زنان خودسرپرست و چالشی به نام معیشت

آذر، بعد از به زندان افتادن امیر، ناگهان وارد مسیر جدیدی در زندگی می‌شود؛ او که تا همین چندروز پیش قرار بوده به کمک همسرش زندگی را اداره کند حالا غیر از تحمل شوک اتفاق پیش آمده باید تنهایی از پس اداره زندگی و تأمین دبه مقتول بر بیاید. اوضاع برای آذر وقتی سخت‌تر می‌شود که عمو شوهرش، تنها راه او برای بیرون آمدن از محصره را که مدیریت رستوران است سد می‌کند و آذر هر روز باید منتظر در دسر تازه‌ای در محل کارش باشد. ماجرای زن زحمت کش و فداکار هم در سینمای ما قصه بدیع و ناشنیده‌ای نیست. حق داریم اگر با آذر فیلم همراهی نکنیم اما با آذرهای واقعی، چطور؟ «سوسن باستانی»، معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، در سال ۹۵ درباره جمعیت زنان سرپرست خانوار گفته است: «این زنان با جمعیت حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، ۱۲ درصد جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند. طی ۱۵ سال گذشته، رشد زنان سرپرست خانوار در کشور ۷۲ درصد بوده است. این قشر از نظر وضعیت اقتصادی آسیب‌پذیرتر از مردان هستند. «انوشیروان محسنی بندپی، رئیس سازمان پژوهسی کشور هم اعلام کرده است: «۳۵۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار به دلیل زندانی شدن شوهر در این گروه جای دارند.» این آمار و ارقام نشان می‌دهد تعداد زیادی از زنانی که بار مسئولیت خانواده ناگهان به آن‌ها تحمیل می‌شود، با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که معیشت یکی از پررنگ‌ترین‌هایش است؛ زنانی که باید تن به کار سخت و درآمد کم و گوش به حرف و حدیث و گوشه و کنایه بدهند، بی آن‌که مستحق این همه ناملایمیتی باشند.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۷
۴ ربیع الاول ۱۴۴۰ • ۱۳ نوامبر ۲۰۱۸
شماره ۱۹۹۶۰

۱۱۸۳

قتل‌های خانوادگی

در صدر جنایت‌های کشور مان

صحنه هُل دادن کسی و برخورد سرش با جایی و بلافاصله مردنش، آن قدر در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی تکرار شده است که حق داریم با دیدنش «ای بابا»ی کشداری بگوییم و دل مان نخواهد بقیه فیلم را ببینیم. «آذر» هم از تر قند قتل ناخواسته خانوادگی استفاده کرده است تا بحران و گره به فیلمش اضافه کند. نقد کلیشه‌ای بودن این صحنه، نقد به جایی است؛ می‌شود به کارگردان و نویسنده خرد گرفت و از همه فیلم‌سازهای وطنی خواهش کرد دست از سر این صحنه بردارند. اما در واقعیت، با تکرار مدام چنین قتل‌هایی چه می‌شود کرد؟ رئیس پلیس آگاهی کشور، دو سال پیش در یک نشست خبری (به نقل از روزنامه ایران) آمار تکان‌دهنده‌ای از قتل‌های خانوادگی، قتل‌هایی که دقیقاً با یک‌هال دادن ساده اتفاق می‌افتد، ارائه کرد. او گفته بود: «بیشترین انگیزه قتل در سال گذشته نزاع و اختلاف قبیلی بین عاملان قتل و قربانیان و به معنای دیگر خانوادگی بوده است. ۳۰ درصد قربانیان توسط بستگان‌شان به قتل رسیده‌اند که این عدد بالایی است و لازم است جامعه‌شناسان، رفتارشناسان و کارشناسان بهداشت محیط و روان‌وار میدان شوند.» سال گذشته، دکتر محمدرضا رهبرپور، حقوقدان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت: «بر اساس مطالعاتی که انجام شده است، قتل‌های خانوادگی حدود ۴۰ درصد از قتل‌های عمد پایتخت را تشکیل می‌دهند.» هر چند هم اکنون آمار تازه‌ای از نزاع‌های خانوادگی منجر به قتل، در دسترس نیست اما در چند سال اخیر تا پیش از سال ۹۷، همه آمار اعلام شده از سوی پلیس و دستگاه‌های قضایی موجود در خبرگزاری‌ها، قتل‌های خانوادگی را در صدر جنایت‌ها دانسته‌اند. این عدد و رقم‌ها خبر از واقعیت تکراری هولناکی می‌دهند که با «ای بابا» نمی‌شود از کنارش گذشت. قتل‌های ناخواسته خانوادگی یعنی با جانی با لفظه و قاتل سریالی و نقشه و برنامه قبلی طرف نیستیم. یعنی یک نفر، در یک لحظه چنان دستخوش خشم غیرقابل کنترل شده و فاجعه بار آورده است؛ یک نفر، یک آدم معمولی، یک کاسب، یک معلم، یک دانشجو، یکی مثل ما. خوب این‌ها را گفتیم که چه بشود؟ برای این‌که کسانی که در این زمینه مسئولیت حقوقی و اخلاقی و اجتماعی دارند، یادشان نرود آمار اعلام کردن و تحلیل عدد و رقم‌ها، قدم اول است و به مجازات رساندن گناهکار، قدم آخر؛ این وسط باید آموزش اتفاق بیفتد و تک‌تک مان بدانیم قصه این فیلم‌ها، می‌تواند قصه ما هم باشد. اگر بلد نیستیم خشم‌مان را کنترل کنیم، اگر کنترل اعصاب مان زود به زود از کف می‌رود، اگر دلسوزی به ما همدار داده که با این فرمان به جایی نمی‌رسیم، باید از کسی کمک بگیریم.



جدول متوسط [شماره ۷۲۵۷]

طراح جدول: مریم احمدی	

عمودی

افقی

۱-ثنا-راهی ۲-فانی-سلاح کاشتنی-چهره ۳-اسم آذری-رودمصر-نغمه ۴-گوهر-صیافت-جدیدخارجی ۵-طریق-استانی در غرب کشور ۶-واحدپول چین-ولی-جنس خشن ۷-پایتخت اروپایی-دخل ۸-اجاق مخفی-ایمان-طبل بزرگ ۹-بهشت‌شداد-نفس خسته-حرکت اسب شطرنج ۱۰-گوشت آذری-واحدشمارش سبکار-ابزار بنا ۱۱-ستاره-برجستگی لاستیک-میوه خوب ۱۲-مادر-درون-زادگاه ابراهیم ۱۳-کله-انزجار-فلز سرچشمه ۱۴-پیل الکتریکی-منزل ۱۵-در بست کارخانه-حصه-دلیپذیر خارجی ۱۶-ناشاپست-دارایی ۱۷-نهر-رتبه کارمندی-صنم ۱۸-نمونه-لقبی اشرافی در اروپا-رود ناشنوا ۱۹-از حرف الفبا-نوعی پخت برنج-فیلسوف آلمانی ۲۰-خط حامل در فیزیک-آشوب آلرژی-پشته

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱																					
۲																					
۳																					
۴																					
۵																					
۶																					
۷																					
۸																					
۹																					
۱۰																					
۱۱																					

حل جدول شماره ۷۲۵۶

CMYK

	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱																					
۲																					
۳																					
۴																					
۵																					
۶																					
۷																					
۸																					
۹																					
۱۰																					
۱۱																					

حل جدول شماره ۴۶۶